



بخش دوم

دیدگاه‌ها و دغدغه‌های ناشران در کارگاه علوم تجربی

بهروز رضایی

در بخش آسیب‌شناسی هم تصور می‌کنم بهتر است محور آخر را شما بیاورید اول؛ که اگر آن آسیب اصلاح شود، همه مشکلات حل می‌شود.

● چرا از کتاب‌های مناسب حمایت نمی‌شود؟

سید مهدی امام نیری، نویسنده و برگزیده جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد در سال ۱۳۸۲، نماینده انتشارات الگو



در این جلسه، صحبت زیادی درباره کتاب‌های مناسب شد. ناشرانی بوده‌اند که کتابشان برگزیده جشنواره کتاب‌های رشد شده است، اما این کتاب در جایی معرفی نشده یا از ناشری که آن را تولید کرده، حمایتی به عمل نیامده است. طبیعتاً دلیلی ندارد که ناشر برای کاری هزینه کند که حمایت نمی‌شود.

در گروه‌های آموزشی یکی از مناطق، جلسه‌ای برگزار شد با مؤلفان کتاب‌های درسی ششم و هفتم و آنجا این سؤال مطرح شد که در تدوین کتاب، از معلمان کشور بازخورد گرفته شده است یا نه؟ آیا ما فقط باید شیوه‌های آموزش را بررسی کنیم؟ آیا به این موضوع توجه شده است که مثلاً دانش‌آموزان شهر بم، دماسنج الکلی معمولی را در دستشان گرفته‌اند یا خیر؟ کتابی که ما برای آن‌ها تألیف می‌کنیم، چه قدر برایشان کاربرد دارد؟

برگزاری کارگاه علوم فرصتی برای گفت‌وگوی بی‌واسطه کارشناسان و ناشران بود. در این فرصت، همه ناشرانی که تمایل داشتند، توانستند دیدگاه‌ها، پرسش‌ها و دغدغه‌های خود را مطرح کنند. پس از طرح چند پرسش از سوی ناشران و مؤلفان محترم، آقای امانی سخنران اصلی جلسه که بیانات وی در شماره قبل این نشریه چاپ شد. پاسخ‌هایی را بیان کرد که حاصل این پرسش و پاسخ پیش روی شماست.

● کتاب‌های کمک آموزشی و کمک درسی چه تفاوتی با هم دارند؟

فتح‌اله فروغی، مدیر مسئول انتشارات شورا



شما در بخش رویکردها، از رویکرد چهارمی سخن گفتید به نام رویکرد ترکیبی. اگر بفرمایید نمونه‌های شاخص این رویکرد در کدام کشور تولید شده است، تشکر می‌کنم.

در بخش انواع کتاب‌های آموزشی مورد نیاز هم در آخرین بخش به کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی اشاره کرده‌اید. جناب عالی و همه ما می‌دانیم که درباره این تعریف‌ها اختلاف نظری وجود دارد. من خوش حال می‌شوم که نظر شما را به‌عنوان یک کارشناس خبره در این زمینه بدانم. تفاوت و مرز کتاب‌های آموزشی و کمک درسی در کجاست؟

آیا کتاب درسی و آموزشی ما مثلاً باید بر اساس شیوه‌های آموزشی ژاپن باشد؟ آیا خوب نیست که ما شورایی از دبیران همه شهرها داشته باشیم و از نگاه‌های آن‌ها نیز استفاده کنیم؟

مزیت‌های یادگیری پروژه‌محور

دکتر محمود امانی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری



ببینید، من به یادگیری پروژه‌محور، خیلی دل‌بسته هستم. به نظرم دانش‌آموزان نیازمند آن‌اند که در دو بعد اصلی اطلاعات و مهارت‌های کافی به‌دست بیاورند: یک بعد فوت و فن پیشبرد پروژه است، فارغ از اینکه موضوع پروژه چه باشد. به هر حال خود این فوت و فن انجام پروژه، بخش عمده‌ای از سازمان‌دهی است. دوم طرح ایده‌های مناسبی است که می‌تواند پروژه‌ها را نشو و نما دهد. ظرف وجود بچه‌ها برای شکوفا شدن نیازمند ایده‌های اولیه است که در آن‌ها می‌ریزیم. همیشه می‌گویند کسی داستان‌نویس خوبی می‌شود که داستان زیاد خوانده باشد. شرح پروژه‌ها را خواندن و شنیدن خودش در پیشبرد کار کاملاً مؤثر است. تأثیر خیلی جدی روی کار دانش‌آموزان و پیشرفت آن‌ها دارد.

الان در کشور فعالیت جدی روی کارهای پروژه‌های بچه‌ها حتی از دوره ابتدایی انجام می‌شود. یادگیری پروژه‌های کاری سطح بالاست، اما امروز ما شاهد آن هستیم که در «جشنواره جابربن حیان» بچه‌ها به زیبایی پروژه‌ها را اجرا می‌کنند. در این جشنواره، وقتی شما به سراغ پروژه‌های می‌روید، دیگر نمی‌توانید به راحتی بیرون بیاورید؛ چون به سراغ میز اولی که رفتید، دلتان می‌خواهد به سراغ بقیه میزها هم بروید. خیلی از موضوعات، جالب، بکر و بدیع هستند. شرح این پروژه‌ها را برای بچه‌های دیگر نوشتن، خودش یک داستان علمی جذاب است؛ اینکه من این موضوع را چه جوری یافته‌ام، چه جوری مدیریت کردم، با چه مشکلاتی روبه‌رو شدم و چگونه بر این مشکلات غلبه کردم. چه کسی به من کمک کرد و اگر بخواهم آن را انجام دهم، چه می‌کنم. این هم یک بخش است.

بخش سوم وجود دارد که الان در میان دانش‌آموزان ما کم‌رمق است، گرچه به نظرم ظرفیتش وجود دارد. آن هم این است که در کار پروژه‌های یک ظرفیت قوی برای کار مشترک بین‌المللی وجود دارد. الان در دنیا روزانه هزاران ایمیل بین آدم‌ها و گروه‌های اهل فن رد و بدل می‌شود که یکدیگر را ندیده‌اند. این آدم‌ها روی زمینه‌های مختلف با هم کار می‌کنند. این‌گونه ارتباط‌های بین‌المللی رشد همه‌جانبه‌ای به دانش‌آموز می‌دهد: موجب رشد توانمندی‌هایش می‌شود، زبانش را تقویت می‌بخشد که به بهبود ارتباطات فرهنگی منجر می‌شود و وقتش را صرف کارهای جالب و جذاب می‌کند. من خودم خیلی علاقه دارم، بچه‌هایی که از دبیرستان بیرون می‌روند، بیایند مدرسه و یکی از فعالیت‌های

خلاقانه و نوآورانه خودشان را برای دانش‌آموزان جدید بازگو کنند. همین قدرت توصیف و بیان کردن ارزشمند است. انگار جمع‌بندی همه آن کارهای قبلی است و خیلی جا برای کار دارد. خوش‌بختانه در آموزش و پرورش ما الان چند کتاب درسی داریم که مبنایشان بر پیشبرد پروژه است. مثلاً درس کار و فناوری بچه‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که یک پروژه بگیرند و آن را به پایان برسانند و حتی تجاری‌اش کنند.

تفاوت کتاب‌های کمک‌درسی با دیگر کتاب‌های آموزشی

سؤال شد که نمونه شاخص کتاب‌های تولید شده با رویکرد ترکیبی کجاست؟ کتاب‌های درسی خود ما، نمونه کار ترکیبی‌اند. البته نه اینکه با عنایت تام ترکیبی شده‌اند؛ چون به یک انتخاب ویژه نرسیدیم، ترکیبی شده است. در بسیاری از کتاب‌ها، چون به یک انتخاب ویژه نرسیدیم، گفتیم که از نقاط قوت آن سه رویکرد استفاده کنیم.

درباره تعریف کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی من فکر می‌کنم، هر چیزی که بتواند پشتیبان کلاس درس باشد، «کمک‌آموزشی» است و اگر اختصاصاً متصل به کتاب درسی یک پایه شد، «کمک درسی» می‌شود. به این ترتیب کل کتاب‌های موضوعی کمک‌آموزشی‌اند، اما «کتاب‌های کار و تمرین» و کتابی که اطلاق پایه دارد، می‌شود «کمک‌درسی».

یک راه حل برای حمایت از کتاب‌های مناسب

در مورد پشتیبانی ناکافی من امیدوارم با پیگیری درون سازمانی و مطالبه انجمن ناشرین و ناشرینی که کتاب‌هایشان از فیلتر سامان‌دهی می‌گذرد، «پخش مدرسه» به صورت جدی راه بیفتد تا در رفع این پشتیبانی ناکافی که آقای نیری فرمودند، قدمی برداشته شود. وقتی ناشری کتاب خوب تولید می‌کند، حق اوست که مورد حمایت قرار گیرد و با ناشران دیگر فرق داشته باشد. این فرق باید در «پخش مدرسه» متجلی شود و پخش مدرسه غیر از «پخش انتشارات مدرسه» است. «پخش مدرسه» باید آنچه را که مورد تأیید نظام سامان‌دهی است، به آسانی به مدارس برساند.

درباره استفاده از نظرات معلمان در تألیف کتاب‌های درسی، ما سازوکار نسبتاً خوبی داریم. مثلاً ما هر یک از کتاب‌های پایه‌های چهارم و هشتم را - که می‌دانید در آستانه تغییر است - به طور مشخص برای پنج استان فرستاده‌ایم. معلمان این استان‌ها پرسش‌نامه‌هایی را درباره این کتاب‌ها تکمیل می‌کنند و برای ما می‌فرستند. البته ما می‌دانیم که به این طریق نمی‌شود

چه باید کرد تا وضعیت امروز دانش‌آموزان ملقش مؤثرتری در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد. در رابطه با آموزش علوم به فرزندانمان، چگونه کار کنیم که تأثیرگذار و مؤثر باشد؟ این بچه‌ها وقتی بزرگ می‌شوند، چگونه از این علوم استفاده می‌کنند و چگونه در اجتماع کسب و کار پیدا می‌کنند؟ از این آموزش علوم که در مدرسه‌های ما جاری است، به کجا رسیده‌اند؟ زمانی که این بچه‌ها مدرک می‌گیرند و وارد جامعه می‌شوند، دولت نگران آن است که چه طور برای این‌ها کار پیدا کند



یک سلسله از مشکلات ساختاری را دید.

اما اینکه می‌فرمایید اگر در درسی میکروسکوپ مورد نیاز است و در شهری (مثلاً بم) این وسیله را ندارند، پس نباید آن درس را آورد، اتفاقاً به تصور من این اشتباه است که آموزش بر اساس کف جامعه و حداقل‌ها صورت گیرد. این نوع آموزش، نسل ما را ناتوان بار می‌آورد. باید تدبیری اندیشید که اگر میکروسکوپ نیست، چیزی جایگزین آن شود. از مهر سال ۹۲ وبگاه رشد، به‌طور جدی برای پشتیبانی از کلاس‌های درس و حل چنین مشکلاتی فعال شده است.

هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها، کلید حل مشکلات

یحیی دهقانی، مدیر مسئول انتشارات مبتکران



ضمن تشکر از آقای دکتر امانی، من یک بند به آسیب‌شناسی کتاب‌های علوم تجربی اضافه می‌کنم. در آموزش و پرورش، شما به‌عنوان متولی امر، کتاب درسی می‌نویسید و کتاب‌های مناسب و مرتبط با آن را تأیید می‌کنید. از طرف دیگر، بخشی از آموزش و پرورش، بخش‌نامه می‌کند به مدارس که ناشران نباید درباره کتاب‌هایشان به‌طور مستقیم با مدارس صحبت کنند و توضیح بدهند. گروه سوم مدیران مدارس اند که کتاب‌ها را می‌خرند. هر کس کار خودش را می‌کند و هیچ هماهنگی در این زمینه وجود ندارد. اگر ناشری بیاورد کتابی را منطبق بر استانداردهای شما تولید کند، چون کتاب را از او نمی‌خرند پشیمان می‌شود. به آسیب‌هایی که فرمودید، بندی اضافه کنید که بشود این تضادهایی را که در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارند، از بین برد تا ناشرانی که با معیارها و شاخص‌های مورد نظر شما کتاب تولید می‌کنند، از سوی بدنه آموزشی و پرورش که مصرف‌کننده است، مورد حمایت قرار گیرند که طبعاً در این صورت بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

نتیجه‌ای که امروز به آن رسیده‌ایم، این است که آموختن رشته‌های علمی و خواندن این حجم از ریاضی، فیزیک، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و غیره، مثل کاری که تا الان انجام داده‌ایم، دانش‌آموزان را به آنچه مورد نیاز ماست، نمی‌رساند. بچه‌ها وقت می‌گذارند، معلم انرژی صرف می‌کند، بودجه آموزش و پرورش هزینه می‌شود، اما «رشد» بچه‌ها اتفاق نمی‌افتد

● بچه‌های ما واقعاً چه قدر یاد می‌گیرند؟

ایرج ضرغام، مدیر مسئول انتشارات فاطمی



پرسش من این است که چه باید کرد تا وضعیت امروز دانش‌آموزان ما نقش مؤثرتری در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد. در رابطه با آموزش علوم به فرزندانمان، چگونه کار کنیم که

تأثیرگذار و مؤثر باشد؟ این بچه‌ها وقتی بزرگ می‌شوند، چگونه از این علوم استفاده می‌کنند و چه قدر یاد گرفته‌اند و چگونه در اجتماع کسب و کار پیدا می‌کنند؟ از این آموزش علوم که در مدرسه‌های ما جاری است، به کجا رسیده‌اند؟ زمانی که این بچه‌ها مدرک می‌گیرند و وارد جامعه می‌شوند، دولت نگران آن است که چه‌طور برای این‌ها کار پیدا کند.

● سهم آموزش و ارتقای منابع انسانی در سازمان پژوهش چه قدر است؟

سیدحمیدرضا ضیغمی، مدیر مسئول انتشارات گل‌واژه



عنايت داريد كه دوستان ما در حوزه نشر كتاب‌های آموزشی، كتاب درسی را به‌عنوان پایه در نظر می‌گیرند. من از حضور شما به‌عنوان مدیر کل دفتر تألیف می‌خواستم بپرسم، در بحث ارتقای منابع انسانی سازمان، استفاده از افراد توانمند - چه درون سازمان و چه بیرون سازمان - و برپایی کارگاه‌های آموزشی در این حوزه، آیا برنامه‌ریزی شده است یا خیر؟

ما مثلاً در حوزه فوتبال و مانند آن، گاه رقم‌های نجومی هزینه می‌کنیم و مربی خارجی می‌آوریم، اما در بحث مهم آموزش چنین کارهایی صورت نمی‌گیرند. آیا این کار جزو برنامه‌هاست یا نه و خصوصاً چگونه می‌توانیم ناشران را در این حوزه سهیم کنیم؟ به نظرم در این حوزه چارچوبی نداریم که افراد توانمند جذب تألیف بشوند.

دکتر محمود امانی: موافقم، عدم هماهنگی آسیب‌زا است

دغدغه بسیار مهمی است. حداقل، اجزایی که در اختیار سازمان و نظام آموزش و پرورش هستند، باید با هم هماهنگ باشند. تلاشی هم دارد می‌شود که دوستان گزارش آن را ارائه می‌کنند و من هم موافقم که در بخش آسیب‌ها، «عدم هماهنگی بین اجزای سیستم» به‌عنوان یکی از آسیب‌ها اضافه شود.

تهیه سند برون‌داد دوره‌های تحصیلی

در باب نکته‌ای که آقای ضرغام فرمودند که خلاصه در آموزش علوم به کجا می‌خواهیم برویم و به چه می‌خواهیم برسیم، یعنی اگر همه این کارها درست شود، دنبال چه نوع برون‌دادهایی از این نظام ۱۲ ساله تحصیلی باید باشیم، یکی از دغدغه‌های بسیار بزرگ همین امروز ما، پاسخ دادن به همین سؤال است. نخست منابع نظری تحول بنیادین و بعد سند تحول را نوشتیم و بعد برنامه درسی ملی را. الان دقیقاً داریم برون‌داد دوره‌های تحصیلی را می‌نویسیم و همین سؤال را داریم جواب می‌دهیم که دانش‌آموز به چه نوع توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌ها دست پیدا خواهد کرد. نتیجه‌ای که امروز به آن رسیده‌ایم، این است که آموختن رشته‌های علمی و خواندن این حجم از ریاضی، فیزیک،

سازمان وجود دارد که ما تقریباً هر ماه یک همایش داریم. در همین چند ماه اخیر، مهمان‌هایی از چند کشور به سازمان آمدند. این همایش‌ها اعلام عمومی هم می‌شوند و افزون بر کارشناسان خودمان، گاهی نیمی از سالن را افراد علاقه‌مند و آزاد پر می‌کنند. البته من فکر می‌کنم، وقتی ناشران حرفه‌ای شوند، خودشان شبیه این نشست‌های علمی - آموزشی را که امسال در بیست و هفتمین نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد، به نحو مؤثرتری و در زمان موسع‌تری برگزار می‌کنند.

مؤلفان با تجربه‌ای داریم که بین ما و ناشران محترم مشترک هستند. انحصاری وجود ندارد که از مؤلفان کتاب‌های آموزشی در تألیف کتاب‌های درسی استفاده نشود یا برعکس. البته سیاست‌های محدود کننده‌ای را سازمان برای حفظ عدالت و توزیع عادلانه اطلاعات اعمال می‌کند و آن هم این است که نام یک مؤلف کتاب درسی، در کتاب‌های کمک‌درسی مربوط و متصل به همان کتاب، ذکر نشود. این جزو تعهدات و سیاست‌های جدید سازمان است که باید جدی هم گرفته شود؛ در عین اینکه محدودیت‌های دسترسی به کتاب‌های تازه تألیف را هم برداشتیم. امسال برای اولین بار، نام کتاب‌ها به محض تأیید، روی وبگاه قرار گرفت و هر کس که مایل است می‌تواند آن‌ها را ببیند. این کار برخی حاشیه‌ها را بسیار کاهش داد.

زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و غیره، مثل کاری که تا الان انجام داده‌ایم، دانش‌آموزان را به آنچه مورد نیاز ماست، نمی‌رساند. بچه‌ها وقت می‌گذارند، معلم انرژی صرف می‌کند، بودجه آموزش و پرورش هزینه می‌شود، اما «رشد» بچه‌ها اتفاق نمی‌افتد.

رشد موقعی حاصل می‌شود که هدف‌ها را از جنس شایستگی و از جنس صلاحیت‌ها انتخاب کنیم. مثلاً این صلاحیت که دانش‌آموز بتواند بین علم و شبه علم فرق بگذارد. امروز جامعه ما بین علم و شبه علم فرق زیادی نمی‌گذارد. از خرد تا کلانش هم همین‌طور است؛ از پزشکی گرفته تا مهندسی ساختمان و غیره. یعنی نوعی سطحی‌نگری و عدم قدرت تفکیک این دو وجود دارد. توان توجه به مسئله‌های اصلی زندگی هم که مربوط به علم است، صلاحیت بسیار مهمی است. امروز در آموزش‌هایمان، به ویژه در دوره متوسطه، باید بتوانیم دفاع کنیم که چرا این موضوع خاص را بچه‌ها باید بخوانند و یاد بگیرند و این موضوع چگونه به زندگی متصل می‌شود. لذا در هر چهار رویکرد، اتصال به زندگی کاربردی بودن مفاهیم محور اصلی است. آنچه که باید در طراحی نظام جدید آموزش متوسطه بر آن تأکید داشته باشیم، «رشد» بچه‌هاست. این کلمه رشد به نظر من مهم است. رشد چیزی فراتر از یادگرفتن است. رشد نوعی قابلیت و توانمندی است که می‌گوییم این فرد از نظر علمی رشد یافته است.

آموزش کارشناسان و مؤلفان دغدغه دائمی ماست
موضوعی که آقای ضیغمی فرمودند، یعنی بحث آموزش کارشناسان و مؤلفان، دغدغه دائمی ماست. روندی دائمی در

توان توجه به مسئله‌های اصلی زندگی هم که مربوط به علم است، صلاحیت بسیار مهمی است. امروز در آموزش‌هایمان، به ویژه در دوره متوسطه، باید بتوانیم دفاع کنیم که چرا این موضوع خاص را بچه‌ها باید بخوانند و یاد بگیرند و این موضوع چگونه به زندگی متصل می‌شود. لذا در هر چهار رویکرد، اتصال به زندگی کاربردی بودن مفاهیم محور اصلی است

